

گذارها به دموکراسی

ارینچه‌ی پنجاه سال نظریه‌های دموکراسی‌سازی

حسن قاضی‌مرادی



نشر اختران

سرسناسه	: قاضی مرادی، حسن، ۱۳۳۲
عنوان و نام پدیدآور	: گذارها به دموکراسی: تاریخچه‌ی پنجاه سال نظریه‌های دموکراسی‌سازی / حسن قاضی‌مرادی
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۶۴-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: دموکراسی
موضوع	: Democracy :
موضوع	: دموکراسی -- تاریخ
موضوع	: Democracy -- History :
موضوع	: دموکراتیک‌شدن
موضوع	: Democratization :
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۴۴۲/ق JC
بندی دیویی	: ۳۲۱/۸
شماره کتابشناختی	: ۴۹۲۸۹۰۰



نشر اختران

گذارها به دموکراسی

تاریخچه‌ی پنجاه سال نظریه‌های دموکراسی‌سازی

نویسنده: حسن قاضی‌مرادی

hassan.ghazimoradi@yahoo.com

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان - چاپ و صحافی فرشویه

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۲ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ - 090akhtaran

www.akhtaranbook.ir

akhtaranbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۶۴-۷

همه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

بها: ۴۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۵	فصل نخست: در معنای دموکراسی‌سازی
۱۵	۱-۱. مفهوم گذار
۱۷	۲-۱. اقتدارگرایی
۲۳	۳-۱. دموکراسی
۳۹	۴-۱. دموکراسی‌سازی
۴۵	۵-۱. نظریه‌های دموکراسی‌سازی
۵۳	فصل دوم: نظریه‌های دموکراسی‌سازی (۱) - نظریه‌های ساختارمحور
۵۴	۱-۲. نظریه‌ی نوسازی
	مارتین لیبست
۷۲	۱-۱-۲. تحول بعدی نظریه‌ی نوسازی
	لری دایموند
۸۹	۲-۲. نظریه‌ی ساختار اجتماعی (طبقه‌بندی)
	برینگتون مور
۱۰۵	۱-۲-۲. تحول بعدی نظریه‌ی ساختار اجتماعی (طبقه‌بندی)
	گوران ژربورن
۱۱۵	۳-۲. نظریه‌ی فرهنگی
	گابریل آلموند و سیدنی وربا
۱۳۴	۱-۳-۲. تحولات بعدی نظریه‌ی فرهنگی
	رونالد اینگلهارت
۱۴۱	فصل سوم: نظریه‌های دموکراسی‌سازی (۲) - نظریه‌های عاملیت‌محور
۱۴۲	۱-۳. نظریه‌ی کنشگری
	دانکوارت روستو

۱۶۷	۱-۱-۳- تحولات بعدی نظریه‌ی کنشگری
	فیلیپ اشمیتز و گیلرمو او داندل
۱۹۱	جان هیگلی و میکائیل برتون
۲۰۴	مغالطه‌ی انتخابات‌گرایی
۲۱۳	فصل چهارم: نظریه‌های دموکراسی‌سازی (۳) - نظریه‌های جامع
۲۲۴	۱-۴- نظریه‌ی جامع دموکراسی‌سازی با تأکید بر توسعه‌ی اقتصادی
	ساموئل هانتینگتون
۲۴۷	۲-۴- نظریه‌ی جامع دموکراسی‌سازی با تأکید بر ساختار اجتماعی (طبقه‌بندی)
	دیتریش روشمایر، اولین استفنز و جان استفنز
۲۶۹	۳-۴- نظریه‌ی جامع دموکراسی‌سازی با تأکید بر نخبگان سیاسی
	خیرالدینز، آلفرد استپان
۲۹۱	پی‌گفتار دموکراسی‌سازی و جامعه‌ی مدنی
۳۰۲	گذار و جامعه‌ی مدنی
	گریم گیال
۳۲۱	منابع فارسی
۳۲۳	منابع انگلیسی
۳۲۹	نمایه

پیش‌گفتار

جهان از موقعیتی که در آن دموکراسی استثنایی مؤید قاعده بود به اکنونی فرازنده که دموکراسی قاعده است. در جهان کنونی و در عرصه‌ی سیاست، اندیشه دموکراسی «مهم‌ترین دغدغه‌ی مردمان هرچه بیشتری می‌شود. این پرسش که «چرا دموکراتیک می‌شوند؟» یعنی «گذار از حکومت غیردموکراتیک به حکومت دموکراتیک چگونه ممکن است؟» مهم‌ترین پرسشی است که مردم همه‌جا به آن می‌پردازند. - حتی در دوره‌های افول جنبش‌های دموکراسی - خواهی می‌کشند. آن پاسخ دهند و به آن پاسخ می‌دهند:

- بسیاری می‌گویند: برای اینکه دموکراسی در جامعه‌ای حاکم شود اول باید فرهنگ جامعه تغییر کند. برای دموکراسی، فرهنگ دموکراتیک لازم است. چون اگر مردم فرهنگ و آموزش دموکراتیک نداشته باشند اصلاً دموکراسی را نمی‌شناسند چه رسد به اینکه آن را بخواهند. اگر به آنها آزادی داده شود یا خودشان آزادی کسب کنند چون فرهنگ‌اش را ندارند، آن را به دیکتاتوری می‌کشاند.

- دیگران بسیاری می‌گویند: تا جامعه از نظر اقتصادی رشد نکند، از نظر علمی رشد نکند یعنی جامعه‌ای صنعتی نشود یا فرهنگ و روابط آموزشی توسعه نیابد و مردم از فقر خلاص نشوند محال است به دموکراسی برسند. در یک جامعه‌ی صنعتی با روابط شهری و گسترش علم و بالا رفتن ثروت، مردم چه بخواهند و چه نخواهند به سوی دموکراسی کشیده می‌شوند. استبداد و دیکتاتوری، همه‌اش، نتیجه‌ی فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی است.

- بسیاری بر این باورند: درست است که بشر از دوره‌های قدیم دنبال دموکراسی بوده اما این دموکراسی که وجود دارد محصول جامعه‌ی مدرن و

اقتصاد سرمایه‌داری است. اگر این مناسبات سرمایه‌داری نباشد یعنی اگر طبقه‌ی بورژوا و طبقه‌ی کارگر نباشند اصلاً زمینه‌ی مبارزه برای دموکراسی وجود ندارد. در مناسبات فئودالی با طبقه‌ی زمین‌دار و کشاورز که نمی‌شود دموکراسی ساخت، اما در مناسبات سرمایه‌داری قشرهای متوسط رشد می‌کنند و اینها همراه با کارگران و همه‌ی فروستان برای رسیدن به دموکراسی علیه طبقات بهره‌کش دست به مبارزه می‌زنند.

— چه بسیار که معتقدند: فقر اقتصادی و عقب‌ماندگی فرهنگی اصلاً مانع مبارزه‌ی مردم برای رسیدن به دموکراسی نیست. دموکراسی وقتی به دست می‌آید که مردم بدانند که واقعاً آن را بخواهند و برای تحقق آن دست به عمل و مبارزه بزنند. اینها فقر باشند یا ثروتمند، تحصیل کرده باشند یا کم‌سواد، چندان فرقی نمی‌کند. کافی است که نخبگان سیاسی واقعاً دموکراسی را بخواهند و مردم را برای رسیدن به آن بسیج کنند. دموکراسی قابل دسترس است، باید آن را خواست و مستقر کرد.

— و هستند بسیاری که می‌پذیرند هرگز یک عامل اصلی — اقتصادی باشد یا اجتماعی یا فرهنگی یا اینکه انتخاب عاملان سیاسی باشد — به تنهایی موجب دموکراسی نمی‌شود. دموکراسی نتیجه‌ی عمل گوناگونی است و وقتی این عوامل ایجاد شوند در بزنگاه‌های تاریخی تحقق می‌یابند.

این نظرات در پاسخ به پرسش «چگونه جوامع راتیک می‌شوند؟» هریک، دانسته یا نادانسته، به یکی از نظریه‌هایی اشاره دارند که به چگونگی گذار به دموکراسی می‌پردازند؛ آنچه «نظریه‌های دموکراسی» نام دارند خواننده می‌شود. «گذار به دموکراسی» و «نظریه‌های دموکراسی‌سازی» مهم‌ترین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی در عصر کنونی است. در این عصر «خیال» دموکراسی — سازی توده‌های هرچه گسترده‌تری را فرامی‌گیرد.

در اولویت بودن «گذار به دموکراسی» و «نظریه‌های دموکراسی‌سازی» در عرصه‌ی سیاست برآمد تحولات سیاسی — اجتماعی در سده‌های نوزدهم و

بیستم بود و این‌که، به‌ویژه، پس از جنگ جهانی دوم جنبش دموکراسی‌سازی در جهان شتاب گرفت و پاسخ بخش عظیمی از مردمان جوامع گوناگون در شرق و غرب جهان به امپریالیسم، هژمونی طلبی و جنگ، دموکراسی‌خواهی و دموکراسی‌سازی بود. پس از جنگ، به‌ویژه، در کشورهای تحت سلطه‌ی امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین جنبش‌های ملی با دو آرمان استقلال و آزادی - که مشخصه‌های اصلی دموکراسی‌خواهی و دموکراسی‌سازی در آن دور بودند - شکل گرفتند و به پیروزی‌هایی دست یافتند. این جنبش‌ها در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گسترده شدند. جنبش ملی ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ با دو آرمان آزادی و استقلال از نخستین و برجسته‌ترین این جنبش‌ها بود که دومین روند دموکراسی‌سازی در تاریخ معاصر ایران دانسته می‌شود.

پیش از جنگ جهانی دوم، دموکراسی - در روایت دموکراسی انتخابی - در برخی از جوامع غربی مستقر شده بود. اما گسترش جنبش‌های دموکراسی‌خواهی در جهان تدوین نظریه‌ی دموکراسی‌سازی - نظریه‌های معطوف به روندهای گذار از نظام‌های برده‌میراثیک به دموکراتیک - را با هدف «نظارت» و «هدایت» موفقیت‌آمیز این جنبش‌ها الزامی می‌کرد. نخستین نظریه‌ی دموکراسی‌سازی در سال ۱۹۵۹ ارائه شد.

با شروع موج جدید جنبش‌های دموکراسی‌خواهی از سال ۱۹۷۴ - که در اروپا (پرتغال، اسپانیا، یونان) شروع شد و سپس در دیگر مناطق جهان اوج گرفت - تلاش برای تبیین نظری این جنبش‌ها تا پایان دهه بیستم و بعدتر به تدوین نظریه‌های دموکراسی‌سازی جامع‌تر و عام‌تری انجامید.

این کتاب گزارشی انتقادی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های دموکراسی‌سازی در حدوداً نیم سده‌ی اخیر است. نظریه‌های دموکراسی‌سازی، به تقریب، در سه مرحله تدوین شدند. در عین حال، هریک از این نظریه‌ها در مراحل بعد بازنگری شده و صورت‌های کامل‌تری از آنها تدوین می‌شد:

۱- در مرحله‌ی نخست - اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و دهه‌ی ۱۹۶۰ - نظریه‌های

دموکراسی سازی مبتنی بر سنجش تحولات ساختاری جوامع - ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (طبقاتی) - ارائه شدند. این نظریه ها را نظریه های ساختاری دموکراسی سازی می خوانند. در عین حال، صورت های تحول یافته و تکمیل شده ی این نظریه ها، عمدتاً، در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تدوین شدند.

فصل دوم کتاب به معرفی انتقادی سه نوع اصلی نظریه های ساختاری دموکراسی سازی و نیز مطرح ترین نمونه های تحولات بعدی شان اختصاص دارد.

۲- در مرحله دوم در دهه ی ۱۹۷۰ نظریه ی کنشگری که تحول دموکراتیک را بر مبنای تلاش ها و مبارزات عاملان سیاسی توضیح می داد ارائه شد. صورت های تحول یافته ی این نظریه در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی تدوین شدند.

فصل سوم کتاب شامل درازایی از نظریه ی کنشگری دموکراسی سازی و تحولات بعدی آن است.

۳- هر دو دسته نظریه های ساختاری و کنشگری دموکراسی سازی پیوسته با انتقاداتی مواجه می شدند که محور آن ها عمدتاً در جداسازی نقش و تأثیر ساختارهای اجتماعی و عاملیت سیاسی در روند دموکراسی سازی بود. پس، عمدتاً در دهه ی ۱۹۹۰ و بعدتر، با توجه به رابطه ی متقابل ساختار و عاملیت در تحولات جامعه، نظریه های جامع دموکراسی سازی تدوین شدند.

در فصل چهارم سه نظریه ی جامع دموکراسی سازی معرفی می شوند.

نکته بسیار مهم در تحولات دموکراسی سازی در کشورهای در حال توسعه به ویژه در دهه های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پررنگ شدن نقش نخبگان سیاسی حاکم و مخالف در این تحولات و پیامدهای منفی برجسته شدن این نقش در روندهای دموکراسی سازی بود. برجسته شدن نقش نخبگان سیاسی، از جمله، این نتیجه را داشت که سیاست به «چانه زنی» تقلیل یافت و در پی تصمیم گیری های نخبگان حاکم و مخالف حتا اگر حکومت دموکراتیکی مستقر می شد این

حکومت بسیار شکننده و متزلزل بود. از این رو، در دهه‌ی نخست سده‌ی بیست و یکم در تدوین نظریه‌های دموکراسی‌سازی به نقش مردم در تقابل‌شان با نخبگان سیاسی هرچه بیشتر توجه شد. از جمله، این موضوع مورد توجه بسیار قرار گرفت که مردم از طریق نهادهای جامعه‌ی مدنی و در همگامی با نخبگان سیاسی مخالف می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در روند دموکراسی‌سازی - نه فقط در تثبیت و تحکیم، بلکه در ایجاد آن نیز - داشته باشند. این مسئله به تلاش‌های گسترده‌ای برای توضیح نظری رابطه‌ی جامعه‌ی مدنی و دموکراسی - سازی از آن، می‌د.

پی‌گفتار شامل بحثی مقدماتی درباره‌ی رابطه‌ی جامعه‌ی مدنی و دموکراسی - سازی در یکی از نظریه‌های مطرح شده در آستانه‌ی سده‌ی بیست و یکم است. اما فصل اول کتاب شامل توضیحاتی درباره‌ی مفاهیم اصلی روند دموکراسی‌سازی - معنای آن، از حکومت اقتدارگرا به حکومت دموکراتیک - است. در این فصل به چهار مفهوم «گذار»، «اقتدارگرایی»، «دموکراسی» (در معنای حداقلی و حداکثری آن) و «یز» (دموکراسی‌سازی) پرداخته می‌شود. به علاوه، این فصل شامل اشاره‌ی مسطری است به دو مفهوم «ساختار» و «عاملیت» در نظریه‌های دموکراسی‌سازی.

با شروع سده‌ی بیست و یکم رویارویی دموکراسی و اقتدارگرایی در گستره‌ی جهانی ابعاد گسترده‌ای یافت. این رویارویی - از جمله در حمله به برج‌های تجارت جهانی - چشم‌اندازهایی را در تحولات سیاسی جهان بازگشود که می‌نمود این تحولات، در کل، در تضاد با روندهای دموکراسی‌سازی بیست و یکم خواهند رفت. تهاجم بنیادگرایی اسلامی در چارچوب استراتژی تروریستی القاعده و دیگر سازمان‌های وابسته به آن در نقاط مختلف جهان در توازی با نئولیبرالیسم و نئوکنسرواتیسم (نومحافظه‌کاری) مسلط بر غرب قرار گرفت و این به افول دموکراسی‌سازی در جهان انجامید. تقویت مؤلفه‌های اقتدارگرایی در غرب با تثبیت و تحکیم اقتدارگرایی در روسیه و چین همراه شد. غرب در

رویارویی با تروریسم بنیادگرا به حمایت از اقتدارگرایی و در نتیجه به تهاجم علیه شکل‌گیری و تداوم مبارزات دموکراسی‌سازی در جهان روی آورد. چنین بود که برای نمونه، جنبش‌های دموکراسی‌سازی در کشورهای عربی - بهار عربی - به سرعت به انفعال و عقب‌نشینی سوق داده شدند. از درون این انفعال و عقب‌رانده‌شدگی مبارزات دموکراسی‌سازی، از جمله، داعش سربرآورد و این خود از جمله عواملی شد برای رشد گرایش‌های پوپولیستی در غرب که به معنای تقویت باز هم بیشتر اقتدارگرایی در حکومت‌های غربی و تضعیف ده‌دهای دموکراسی‌سازی در کل جهان بود. آخرین جلوه‌ی رشد گرایش‌های پوپولیستی و در نتیجه اقتدارگرایانه در غرب، ریاست جمهوری ترامپ در مقام نماینده‌ی به ریاست ترمین و جنگ طلب‌ترین جناح هیئت حاکمه‌ی آمریکاست. پیروزی ترامپ بین مسقات لیبرال دموکراسی موجود در این کشور است؛ مشقاتی که نتیجه‌ی آن اعتمادی قشرهای هرچه گسترده‌تر مردم به نهادهای سیاسی و اجتماعی موجود آمریکا است. این وضعیت به اینجا انجامیده است که در آمریکا و دیگر نقاط جهان مردم به اقتدارگرایی متوسل می‌شوند که دهه‌هایی پیش از آنان روی گردانده بودند.

در برابر چنین موقعیت‌هایی که دموکراسی و دموکراسی‌سازی در جهان در برابر تهاجم اقتدارگرایی، پوپولیسم و جنگ عقب می‌سند و مردم هرچه بیشتر امید به رهایی را از دست می‌دهند تأکید هرچه قوی‌تر بر دموکراسی و دموکراسی‌سازی ضروری می‌شود. در دوره‌ی هجوم سیاست‌های ضد دموکراتیک و هژمونی طلبانه‌ی هیئت حاکمه‌ی کنونی آمریکا که آینده‌ای تاریک و تار را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ی جهان ترسیم می‌کند باید به دموکراسی‌سازی روی آورد. باید کوشید با مبارزات دموکراسی‌خواهانه جلوی جنگ را گرفت. در جهان امروز برپایی جنبش‌های دموکراسی‌سازی استراتژی و تاکتیک مقابله با جنگ است.

نظریه‌های دموکراسی‌سازی الگوهای عام گذار به دموکراسی‌اند. اما روند

دموکراسی‌سازی در هر جامعه‌ای، خاص است. روندهای خاص دموکراسی‌سازی در کشورهای مختلف زمینه‌ی عینی خلق الگوهای عام‌گذار یا نظریه‌های دموکراسی‌سازی بوده‌اند و این نظریه‌ها راهنمای پیشبرد آگاهانه‌ی روندهای دموکراسی‌سازی در جوامع مختلف‌اند. در عین حال، باید در نظر داشت که نظریه‌های دموکراسی‌سازی از جامعیت نسبی برخوردارند و به‌مرور با سنجش تحولات عملی، بازتدوین می‌شوند و جامعیت بیشتری می‌یابند.

اما هر روند دموکراسی‌سازی در جامعه‌ی خاص قطعاً با الگوبرداری صرف از این یا آن نظریه‌ی دموکراسی‌سازی به پیروزی نمی‌رسد. در روند دموکراسی‌سازی هر یک از جوامع، تحولات بالفعل چنان با وضعیت خاص‌شان آمیخته است که نمی‌توان آن‌ها را در گذشته و حال هر جامعه‌ای کاملاً با نظریه‌ای معین مطابقت داد. آن نظریه را، به‌تمامی، تأیید می‌کند. واقعیت تحولات سیاسی-اجتماعی در جامعه‌ای پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را فقط در قالب نظریه‌ای عام تحلیل کرد. برای بسیر موفقیت‌آمیز روند دموکراسی‌سازی در هر جامعه‌ی خاص و در هر موردت تاریخی خاص آن ضروری است تا نظریه‌ی دموکراسی‌سازی موردنظر با شرایط خاص آن جامعه تلفیق شود و از طریق تحلیل مشخص از شرایط مشخص آن جامعه، نظریه‌ی خاص دموکراسی‌سازی برای آن جامعه در آن موقعیت تاریخی تدوین شود. پس اگر دموکراسی‌سازی، به‌طور عام، به‌معنای «گذار به دموکراسی» است، امر - جامعه‌ای در گذار به دموکراسی روند مختص به خود را متحقق می‌کند. چنین است که در عمل، ضروری می‌شود از «گذارها به دموکراسی» سخن گفت. از این لحاظ، شکل اساسی پیشبرد روند دموکراسی‌سازی در هر جامعه‌ی خاص تدوین نظریه‌ی خاص‌گذار به دموکراسی برای آن جامعه است. در عین حال، نباید انتظار داشت در روند دموکراسی‌سازی هر جامعه‌ای نخست نظریه‌ای تام و تمام از این روند را برای آن جامعه تدوین کرد و سپس برای اجرای آن کوشید. نظریه‌ی خاص دموکراسی‌سازی در هر جامعه‌ای در حین پیشبرد روند دموکراسی‌سازی ساخته و پرداخته می‌شود.